

بر مرکب باد

بازخوانی قصه سلیمان

قصه سلیمان در ادب فارسی

پرسا داوری



دآوری: بهار ۱۳۹۳ -	
بر مرکب باد / دکتر پریسا داوری - تهران نشر ثالث ۱۳۹۱.	
۶۳۳ ص	
شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۶۶۳-۷	ISBN 978-964-380-663-7
سلیمان پیامبر، داود پیامبر.	
ب ۲۲ / د ۵ / ب ۸۰ BP	۲۹۷/۱۵۶



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند، بین آراشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۳۴۳۷
فروشگاه: خیابان کریمخان زند، بین آراشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۸۸۳۲۵۳۷۶-۷

بر مرکب باد

- دکتر پریسا داوری • ناشر، نشر ثالث
- مجموعه پژوهش و نقد ادبی
- چاپ اول: ۱۳۹۱ / ۷۰۰ نسخه
- لیتوگرافی، ثالث • چاپ، سازمان چاپ احمدی • صحافی، مینو
- کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است
- شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۶۶۳-۷ ISBN 978-964-380-663-7
- سایت اینترنتی، www.salesspub.co • پست الکترونیک، info@salesspub.co
- قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۴	سلیمان قرآن و تورات
۲۵	۱. سلیمان و داوود
۲۷	۱. خلافت سلیمان
۳۱	۲. وراثت سلیمان
۳۴	۳. پیامبری و پادشاهی سلیمان
۳۹	۲. ویژگی‌های برجسته شخصیت سلیمان
۴۱	۱. علم و حکمت سلیمان
۴۴	۲. علم و قضاوت سلیمان
۵۳	۳. عدل سلیمان
۶۳	۳. شکوه سلیمانی
۷۱	۱. سلیمان و چشمه مس
۷۶	۲. تخت و بساط سلیمان
۸۶	۳. دعوت کردن سلیمان همه موجودات جهان را به طعام
۹۱	۴. اسبای سلیمان

- ۱۰۹ ۵. سلیمان و باد
- ۱۳۹ ۶. سلیمان و مور
- ۱۴۱ ۱. وادی نعل
- ۱۶۹ ۲. پای ملخ بردن مور نزد سلیمان
- ۱۷۵ ۷. سلیمان و مرغان
- ۱۷۷ ۱. منطق الطیر دانستن سلیمان
- ۲۰۶ ۲. سلیمان و سیمرغ
- ۲۲۵ ۸. سلیمان و دیوان
- ۲۶۵ ۹. انگشتی سلیمان
- ۲۶۷ ۱. پیشینه انگشتی و شکل ظاهر آن
- ۲۷۱ ۲. ویژگی های انگشتی
- ۲۷۹ ۳. انگشتی در مضمون بردازی های شاعرانه
- ۲۹۰ ۴. سرانجام انگشتی
- ۲۹۳ ۱۰. زوال ملک سلیمان
- ۲۹۵ ۱. آزمودن سلیمان
- ۳۰۱ ۲. ربودن دیو انگشتی سلیمان را و نشستن به جای او
- ۳۱۸ ۳. مزدوری کردن سلیمان برای ماهیگیران و بازگشت او به ملک
- ۳۳۳ ۱۱. ملک سلیمان
- ۳۳۵ ۱. طلب ملک جاوید کردن سلیمان از حق
- ۳۵۴ ۲. قلمرو ملک سلیمان
- ۳۶۵ ۱۲. سلیمان و هدهد
- ۳۶۷ ۱. غیبت هدهد

- ۳۷۶ ۲. وعده عذاب دادن سلیمان هدهد را
- ۳۸۰ ۳. بازگشت و خبر آوردن هدهد از سرزمین سبا
- ۳۸۹ ۴. نامه بردن هدهد نزد بلقیس
- ۴۰۱ ۱۳. سلیمان و بلقیس
- ۴۰۴ ۱. مضمون نامه سلیمان به بلقیس
۲. مشورت بلقیس با سرهنگانش و فرستادن هدایا
- ۴۰۸ نزد سلیمان
۳. رسیدن رسولان بلقیس نزد سلیمان و بازگرداندن سلیمان
- ۴۱۲ ایشان را
۴. تخت بلقیس و آوردن سلیمان آن را پیش از آمدن
- ۴۲۸ بلقیس نزد او
- ۴۳۸ ۵. ناشناس کردن تخت بلقیس
- ۴۴۱ ۶. صفت پای بلقیس
- ۴۴۶ ۷. ازدواج سلیمان و بلقیس
- ۴۵۱ ۱۴. سلیمان و آصف
- ۴۷۷ ۱۵. بنای بیت المقدس
- ۴۹۵ ۱۶. صفت بندگی سلیمان
- ۴۹۸ ۱. درویشی و مسکنت سلیمان
- ۵۰۱ ۲. زنبیل بافی سلیمان
- ۵۰۶ ۳. صفت شکر سلیمان
- ۵۰۷ ۱۷. وفات سلیمان
- ۵۲۱ ۱۸. داستان جمشید
- ۵۲۳ ۱. داستان جمشید در متون باستانی
- ۵۳۲ ۲. داستان جمشید در تواریخ و شاهنامه

۵۵۱

۳. جام جم

۵۶۹

۱۹. سلیمان و جمشید

۵۷۳

۱. آمیختگی هویت سلیمان و جمشید در تواریخ

۵۷۷

۲. اقتران جمشید و سلیمان در ادبیات

۶۱۹

کتابنامه

www.ketab.ir

مقدمه

قصص قرآن کریم از گنجینه‌های گران‌سنگی است که پیوسته آثار ادبی و عرفانی ما را تغذیه کرده چنان‌که بخشی از زیبایی و کمال این متون به این داستان‌ها وابسته است. داستان سلیمان نیز از جمله داستان‌های قرآن کریم است که به صورت‌های زیبا و متنوعی در تاریخ ادبیان فارسی‌گو قرار گرفته است و به جرئت می‌توان گفت همه بزرگان شعر و عرفان این دیار در آثارشان از این داستان‌ها بهره برده‌اند.

قصص مربوط به سلیمان در بخش‌هایی از تورات و چندین سوره از قرآن کریم آمده است و ارباب تفاسیر با استفاده از کتب مختلف، این داستان‌ها را تفسیر کرده‌اند. همچنین احوال سلیمان در کتبی به نام قصص الانبیاء که به عربی و فارسی نوشته شده به تفصیل آمده است.

بسیاری از آنچه در این متون درباره سلیمان آمده مستقیماً از قرآن سرچشمه گرفته و برخی به عنوان اسرائیلیات^۱ وارد تفاسیر و تواریخ شده است و شعرا یا تصرف‌های شاعرانه، بسیاری از آن‌ها را در شعر خویش به کار گرفته‌اند.

۱. اسرائیلیات، روایات و قصه‌هایی است که مأخذ اصلی‌شان تلمود و نقلیات کتب‌الاجبار و وهب بن منبه و مشتمل بر اطلاعات جزئی و تفصیلی و عجیب در مورد تاریخ انبیاست. این مطالب از زمان پیامبر اکرم و صحابه در متون و منابع اسلامی راه یافته و در عصر تابعین گسترش پیدا کرده است (برای توضیح بیش‌تر رک. به: اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیاء در تفاسیر قرآن، حمید محمد قاسمی).

اگرچه آنچه در شعر و ادب فارسی در باب سلیمان ذکر شده غالباً مأخوذ از قرآن است ولی شعرا در مواردی نیز تحت تأثیر قصص و تفاسیر بوده‌اند؛ برای نمونه ماجرای انگشتی سلیمان که در قرآن و تورات سخنی از آن در میان نیست ولی بخشی از بهترین اشعاری که درباره سلیمان سروده شده به موضوع انگشتی او گم شدنش و نشستن دیو بر تخت سلیمان و پادشاهی کردن دیو با آن مربوط می‌شود. البته در کتب قصص، تاریخ و تفسیر، حکایات بی‌شماری در مورد سلیمان هست که در ادبیات اثری از آن به چشم نمی‌خورد نظیر بسیاری از مواردی که به عنوان نمونه‌های قضاوت کردن سلیمان و نمودن عدل او درین متون آمده است.

باید گفت کاربرد قصه‌های پیامبران (در این جا داستان سلیمان) در ادب فارسی به تنوع اندیشه شعرا و ادبای ما بستگی دارد چنان‌که اغلب شعرای مداح ازین مایه‌های تلمیحی برای درجانه صله از شاهان و امیران سود جسته‌اند. آن‌ها معمولاً شاه را به سلیمان تشبیه و اقتدار و شوکتش را با سلیمان مقایسه کرده و خود را در برابر او موری ضعیف می‌شمرند. البته در میان شعرای مداح گاه استثناهایی نیز وجود دارند مثل خاقانی که با توجه به وسعت دانش و خیال‌انگیزتر بودن شعرش نسبت به سایرین در ضمن استفاده ازین داستان برای مدح، اختلاف کیفی‌ای در نوع بهره‌گیری و تلمیح او از داستان به چشم می‌خورد. اضافه می‌کنم که ناصر خسرو متفاوت با همه شعرا این مایه‌های تلمیحی را در خدمت موضوعات مذهبی خصوصاً آنچه با عقاید اسماعیلی او بستگی و ارتباط دارد و بیانیه‌های سیاسی خویش قرار داده است برای مثال او معاندان خود و حکام عصرش را پیوسته به دیوان سلیمان تشبیه می‌کند.

از نظر کمی نیز بهره‌گیری شعرا از داستان سلیمان در تلمیح بسیار به یک اندازه نیست چنان‌که ناصر خسرو و منوچهری بسیار محدودتر از خاقانی و مولوی ازین داستان متأثر بوده‌اند.

شعرای عارف چون سنایی، عطار و مولوی از داستان پیامبران معمولاً برای

بیان مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی استفاده کرده‌اند^۱ و اغلب حکایات مربوط را به صورت تمثیل آورده، در پایان یا اثنای حکایت از آن نتایج عرفانی گرفته‌اند. ذکر این نکته ضروری است که مولوی و عطار در غزلیات خود نیز به گونه‌ای رمزآمیز از شخصیت‌های داستان سلیمان یاد کرده‌اند برای نمونه سلیمان رمز معشوق، هدیه رمز پیر و مرشد و مور رمز عاشق است.

بهرگیری دیگر شعرا ازین داستان‌ها برای بیان مسائل حکمی و اخلاقی است چنان‌که در قرآن کریم نیز اساس حکایات بر پند و موعظه نهاده شده است: «وَ كَلَّا نَقْصُرُ عَلَيْكَ مِنَ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَتَّبِعُ بِهٖ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَ مُوعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۲

این تأثیرات متنوع نشان می‌دهد که قصص انبیا به‌طور کلی و قصه سلیمان به‌طور خاص، قابلیت‌های بسیاری متناسب با فضای غنایی، حکمی، مدحی و عرفانی اشعار و آثار ادبی فارسی دارد و هر شاعری بسته به اندیشه خویش ازین مایه‌ها بهره جسته است.

تأثیر کلی دیگری که از داستان سلیمان (ع) در ادب فارسی دیده می‌شود وجود منظومه‌هایی است که بر اساس این داستان سروده شده است. منظومه‌هایی به نام‌های گوناگون: سلیمان و بلقیس، بلقیس و سلیمان، سلیمان‌نامه، بلقیس‌نامه، پریخانه و... برای نمونه زلالی خوانساری (قرن ۱۱)، فیضی دکنی (قرن ۱۰ و ۱۱)، ابومکارم شهود (قرن ۱۰ و ۱۱)، نظام معمای استرآبادی (قرن ۱۰) و حیاتی گیلانی (قرن ۱۰ و ۱۱)، از جمله شاعرانی بوده‌اند که طبع خویش را در به نظم آوردن داستان سلیمان و بلقیس آزموده‌اند.^۳

۱. البته سنایی علاوه بر این، برای مدح نیز ازین قصص بهره جسته است. دیگر آن‌که در متن عرفانی منشور نیز ازین داستان‌ها به همین دلیل استفاده می‌شود برای مثال برخی از عرفا ماجرایی بی‌کردن اسبان سلیمان را (به دلیل آن‌که موجب فوت نماز او شده بودند) به غیرت عاشق تعبیر کرده‌اند.

۲. سوره «هود»، آیه ۱۲۰.

۳. در میان متون چاپی نیز کتب بسیاری با عنوان سلیمان و بلقیس، بلقیس و سلیمان و سلیمان و ملکه سبا وجود دارند که اغلب تحریر ساده قصه قرآنی هستند و اگرچه اقبال عمومی مردم به داستان سلیمان را نشان می‌دهند جزء آثار تحقیقی به‌شمار نمی‌آیند.

بجز ادبیات فارسی، داستان سلیمان در فرهنگ عامه نیز جلوه خاصی داشته است و این را در امثال و حکمی که متأثر ازین داستان و در بین مردم رایج است می‌توان دید برای نمونه مثل: «دو قورت و نیمش باقی است» یا «ارمغان مور پای ملخ است» و مثل‌هایی که از تلمیحات شعرا برآمده‌اند نظیر: «سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش» و «مور در خانه خود حکم سلیمان دارد»^۱ شاید خالی از لطف نباشد که بگوییم تأثیر عمومی دیگر داستان سلیمان در فرهنگ ایرانی به شکل نمایشنامه خود را نشان داده است چنان‌که بخش مربوط به سلیمان و ملکه سبا دستمایهٔ تعزیهٔ سلیمان و بلقیس و بارها اجرا شده است.^۲

سلیمان قرآن و تورات

پیش ازین گفتیم که با وجود تأثیرپذیری مفسران و صاحبان قصص و تواریخ از متون یهود و اسرائیلیات مربوط به سلیمان، مسلم است که اهم تلمیحات شعرا برگرفته از متن قرآن و تفاسیر اسلامی از ماجراست. این مطلب را در مقایسه روایت تورات و قرآن از سلیمان و ذکر تفاوت‌های عمدهٔ شخصیت سلیمان در قرآن و تورات می‌توان دریافت که ملاحظین جا بدان می‌پردازیم:

۱. قصهٔ سلیمان در قرآن به‌طور پراکنده و در سوره‌های مختلف و در تورات به شکل منسجم و مفصل‌تر آمده است.

۲. سلیمان و داوود در تورات پادشاهند و فقط پادشاه بارها درین کتاب در ادامهٔ نامشان آمده است^۳ و در بخش مربوط به سلیمان از مقامات دربار او هم به

۱. داستان سلیمان در شعر و امثال عربی هم تأثیر گذارده که به برخی ازین موارد ذیل ماجراهای سلیمان در کتاب پرداخته‌ایم ولی این مهم نیازمند پژوهشی جداگانه و از حوصلهٔ این نوشتار بیرون است.

۲. در این مجلس شبیه‌خوانی، سلیمان با شنیدن وصف ملکهٔ سبا از زبان هدهد، شیفتهٔ او می‌شود و از آصف برای رسیدن به او کمک می‌خواهد و به توصیهٔ او برای ملکه نامه می‌فرستد. ملکه ایمان می‌آورد و نزد سلیمان می‌آید و چون می‌خواهند به جشن بپردازند زمین می‌لرزد. جبرئیل به سلیمان خبر می‌دهد که این لرزش سرآغاز مصیبت بزرگی است که به زودی در کربلا اتفاق می‌افتد. آن وقت همه به عزاداری می‌پردازند.

۳. رک. کتاب مقدس، فصل تواریخ ابام و فصل پادشاهان.

تفکیک یاد می‌شود همچون: رئیس کاهنان، فرمانده سپاه، مشاور، سرپرست کارهای اجباری، منشی، سرپرست حاکمان، سرپرست امور دربار. سلیمان در تورات دوازده حاکم دارد^۱ در حالی که در قرآن سلیمان تنها نبی است. داوود و سلیمان در تورات با آن که از جمله انبیاء بزرگ بنی اسرائیلند بارها به شیوه انسان‌های کج‌آورد خودسرانه عمل می‌کنند و لامحاله عقوبت می‌شوند^۲ در حالی که در روایات اسلامی خطاهای داوود و سلیمان را به ابتلا و محنت تعبیر می‌کنند.

۳. در قرآن و تورات، ماجرای سلیمان با جانشینی‌اش برای داوود آغاز می‌شود ولی در تورات ماجرا مفصل و به تاریخ بیش‌تر شبیه است چنان‌که سلیمان به مساعدت مادرش که به شرط پادشاهی پسرش بعد از داوود، با او ازدواج کرده، به پادشاهی می‌رسد و مخالفانش از جمله ادوینا (برادرش) و یوآب (که در توطئه ادوینا شرکت کرده) و شمعی را (که به عقیده او در حق داوود بدی کرده) می‌کشد.^۳

۴. در تورات و قرآن هر دو از حکمت سلیمان یاد می‌شود با این تفاوت که در تورات خداوند در رؤیایی بر سلیمان ظاهر می‌شود و می‌گوید هرچه می‌خواهی بگو و او حکمت می‌طلبد تا هرآنچه بد را تشخیص دهد و با عدالت بر مردم حکومت کند و قوم بزرگ بنی اسرائیل را اداره کند. خداوند اجابت می‌کند و سلیمان به اجابت دعایش قربانی می‌کند و ضیافتی ترتیب می‌دهد.^۴

ولی در قرآن خداوند خود به سلیمان حکمت می‌بخشد (که در شرح و تفسیر آن به منطق‌الطیر دانستن او، علم شریعت و قضا اشاره کرده‌اند)^۵ و ازین نعمت به شکلی کلی یاد می‌شود در صورتی که در تورات می‌خوانیم که

۱. رک. کتاب مقدس، فصل تواریخ ایام و فصل پادشاهان.

۲. پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، ص ۱۵۰.

۳. کتاب مقدس، صص ۲۳۱-۲۳۲. ۴. همان، ص ۳۳۳.

۵. رک. فصل دوم همین کتاب.

حکمت سلیمان از حکمت دانشمندان مشرق زمین و علمای مصر هم زیادتر بود... سه هزار مثل گفت و هزار و پنج سرود نوشت. سلیمان درباره حیوانات و پرندگان و خندگان و ماهیان اطلاعات کافی داشت. او همچنین تمام گیاهان را از درختان سرو گرفته تا بوته‌های کوچک زوفا که در شکاف دیوار می‌رویند می‌شناخت و درباره آن‌ها سخن می‌گفت. پادشاهان سراسر جهان که آوازه حکمت او را شنیده بودند نمایندگانی به دربار او می‌فرستادند تا از حکمتش برخوردار شوند.^۱

سلیمان را بدین سبب صاحب بعضی اسفار کتاب مقدس می‌دانند و غزل غزل‌ها، کتاب امثال، جامعه و برخی مزامیر را به او منسوب می‌کنند که ما درین جا به معرفی هر یک ازین کتب می‌پردازیم:

۱. امثال سلیمان: بخشی از تورات است در اخلاق و حکمت که کهن‌ترین بخش‌هایش منسوب به سلیمان است و «احتمال دارد در دوران حزقیا ملک یهودا گردآوری شده باشد و کلامش مثل بر امثال و حکم از حکمای ناشناس و شناخته و روی هم رفته افسانه‌ای از ادوار مختلف من جمله حکمای عرب و مصر باستان و نیز سلیمان ملک است. قانونیت هیچ کتابی در عهد عتیق به اندازه اصالت این کتاب تصدیق نشده است و عهد جدید غالباً از آن اقتباس کرده یا بدان اشاره و استناد می‌کند.»^۲ در تورات آمده است که «این مثل‌ها به شما کمک خواهند کرد تا حکمت و ادب بیاموزید و بتوانید معنی سخنان پرمغز را درک کنید. آن‌ها به شما یاد خواهند داد چگونه رفتار عادلانه داشته باشید و با صداقت و عدالت و انصاف عمل کنید. این مثل‌ها به جاهلان حکمت می‌بخشند و به جوانان فهم و بصیرت.»^۳

عناوین کلی این امثال در تورات شامل: نصیحت به جوانان، ندای حکمت، پاداش حکمت، مزایای حکمت، هشدار در مورد زنا، هشدارهای گوناگون، حکمت و حماقت، نصیحت به یک پادشاه و مثل‌های سلیمان است.

۱. کتاب مقدس، ص ۳۲۵.

۲. پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، صص ۱۳ و ۱۴.

۳. پیشین، ص ۶۰۰.

محتوای امثال سلیمان همه اخلاقی است و بسیاری از آموزه‌های دینی و سخنان بزرگان حکمت ما را به خاطر می‌آورد که از جمله آن‌هاست: «حسادت خطرناک‌تر از خشم و غضب است»^۱، «هرکه برای دیگران چاه بکند خود در آن خواهد افتاد»^۲.

۲. کتاب جامعه: بخشی از تورات است و منسوب به سلیمان. بعضی محققان برآنند که چون لغات بیگانه غیرعبری در کتاب یافت می‌شود پس به یقین می‌توان احتمال داد که نویسنده‌اش عبرانی نبوده است و در واقع چنین پیداست که کتاب یک نویسنده ندارد بلکه ظاهراً از اقوال مختلف بسیار کسان فراهم آمده است و محتملاً در قرن سوم پیش از میلاد پرداخته شده است.^۳

نویسنده جامعه که می‌گیند سلیمان است، فیلسوف و حکیمی است که بین ایمان و شک، امید و یأس، لذت و رنج، مفهوم زندگی و پوچی در نوسان است. او می‌داند که انسان خاکی مجبور است زمان حال را پشت سر گذاشته به سوی آینده در حرکت باشد. انسان تنه‌امید است ولی از آینده اطلاعی ندارد پس بهتر این است که از زمان حاضر لذت ببرد. نویسنده کتاب به دنبال مفهوم زندگی رفته و کوشیده آن را در لذت‌جویی، حکمت و ثروت بیابد ولی نتیجه‌ای عایدش نشده. او همه این‌ها را تجربه کرده و آن‌ها را پرچ و بی‌ارزش می‌داند زیرا شر و بدی سایه شوم خود را بر هر تکاپویی جهت‌گشت معنی زندگی افکنده است ولی از همه بدتر مرگ است که مانند موج دریا به ساحل زندگی اصابت می‌کند و کاخ شنی آن را محو و نابود می‌کند.^۴

از جملات قصار جامعه است:

برای هر چیزی زمانی است، نیکنامی از بهترین عطرها نیز خوشبو تر است، از مال خود با سخاوت‌مندی به دیگران ببخش چون بخشش تو بدون عوض نمی‌ماند، انسان باید از خداوند بترسد و احکام او را نگاه دارد زیرا تنها و طغفه او همین است.

۱. کتاب مقدس، ص ۶۲۱. ۲. همان.

۳. پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، ص ۱۴.

۴. رک. کتاب مقدس، صص ۶۲۶، ۶۳۵.

۳. کتاب حکمتی هم (به نام حکمت نامه) به سلیمان منسوب است اما... در اصل به قلم یهودی ای مؤمن و راست‌کیش و متأثر و برخوردار از فرهنگ یونان به زبان یونانی ظاهراً در نیمه قرن اول پ.م نوشته شده است... این کتاب یادگار یونانی‌گری یهودیان است.^۱

۴. غزل غزل‌ها: بخشی از تورات و منسوب به سلیمان است. غزل غزل‌ها مجموعه‌ایست دلنشین از اشعار عاشقانه‌ای که به شکل سرودهایی از زبان عاشق و معشوق، در وصف یکدیگر سراییده شده‌اند^۲ و مضمون آن عشق و سری میان دل‌داده و دل‌داری است که یکی ملک سلیمان نامیده شده است و دیگری شولمیت یا شولامیه^۳ که بعضی او را همان شولمیت (شونمی) یعنی دختر بسیار زیبایی دانسته‌اند که بنا به روایت تورات تیماردار و پرستار داوود پیر بود.^۴

یهودیان این سرودها را تصویری می‌دانند از رابطه بین خدا و قوم خود و مسیحیان آن را گویای رابطه روحانی ای می‌شمارند که بین مسیح و کلیسایش وجود دارد.^۵

امروزه اعتقاد بعضی بر این است که بخش اعظم غزل غزل‌ها مشتق از سرودهای کهن سومری و نیز بازمانده سرودهای بن‌النهرینی است که در مراسم زناشویی مقدس از دو زن ایزد یا آسمان و زمین و یا دو اصل نرینه و مادینه که شاه در آن مراسم آیینی به مقام الهی ارتقا می‌یافت، خوانده می‌شده است.^۶

جلال ستاری معتقد است توصیفات غزل غزل‌ها به گونه‌ای رمزآمیز قابل تفسیر است و سراینده آن بی‌گمان از سر عشق آگاه بوده و می‌دانسته که از عشق زمینی می‌توان به افلاک رسید بنابراین با توجه به توصیفاتی که از سلیمان در تورات هست و تعدد زنان و شوکت و جلال او شگفت است که [سلیمان] بتواند

۱. پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، صص ۱۵-۱۶.

۲. کتاب مقدس، ص ۶۳۶.

3. sulamite

۴. پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، ص ۱۱.

۵. پیشین.

۶. همان، ص ۴۸.

به زبان پرشور عشق و شیفستگی در غزل غزل‌ها با خدا راز و نیاز کند و از غایت پارسایی به دام پای کامجویی و هوسناکی گرفتار نیاید و باد نخوت و غرور بر دماغش چیره نشود و مهر زنی یگانه را به دل گیرد.^۱

سلیمان تفاسیر و قصص برخلاف تورات عارف است چنان‌که مَجالستش با درویشان و مسکنت او حکایت ازین دارد. درین صورت اگر غزل غزل‌ها در روایات اسلامی هم به سلیمان منسوب بود و چنان‌که جلال ستاری می‌نویسد عشق در این کتاب، الهی بود^۲، می‌شد با یقین بیش‌تری آن را به سلیمان نسبت داد.

۵. در تورات به قلمرو ملک سلیمان صراحتاً اشاره می‌شود: «سلیمان بر تمام سرزمین‌های واقع در بین رود فرات و فلسطین که تا سرحد مصر نیز می‌رسیدند سلطنت می‌کرد»^۳ در حالی که در قرآن از ملک سلیمان با عنوان کلی یاد می‌شود و تنها در متون اسلامی، تفاسیر بسیاری پیدا کرده است.

۶. در قرآن و تورات به مظاهر شوکت و جلال سلیمان به‌طور مبسوط اشاره می‌شود اما این دو در جزئیات با هم تفاوت‌هایی دارند. در تورات سلیمان سیزده سال ثروت و زمان، صرف ساختن کاخی باشکوه برای خود می‌کند (که به تفصیل از مصالح و تالارها، در و دیوار و... آن سخن گفته می‌شود)^۴ همچنین از اسبان بسیار، اسطبل‌ها و عراده‌های سلیمان یاد می‌شود که همه نشان از باور قوم یهود در پادشاه بودن سلیمان است.

در قرآن از کاخ سلیمان سخنی نیست ولی از چشمه‌ای که به امر سلیمان روان است، تسلط او بر دیوان و کارهایی که آن‌ها مجبور به انجامش برای

۱. رک. پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، صص ۳۸-۴۸.

۲. «به‌رغم بسیاری غزل غزل‌ها شرح مجملی از مناسبات عرفانی میان اسرائیل و یهوه است و در نظر ربن‌های تلمود شکی نیست که محبوه غزل غزل‌ها مظهر اسرائیل و عاشق وی همانا خداست.» همان، ص ۶۱.

۳. کتاب مقدس، ص ۳۳۵.

۴. همان، ص ۳۳۷.

۵. همان، ص ۳۳۵. شاید تنها ماجرای اسبان سلیمان (که با دیدن آن‌ها نماز بر سلیمان قضا شد) در قرآن مشابهت و مناسبتی با بخشی از جزئیات شکوه سلیمانی در تورات داشته باشد.

سلیمان بودند، ارتباط با پرنده‌گان و منطق‌الطیر دانستن او، ماجرای مور و سلیمان^۱، تسلط او بر باد سخن گفته می‌شود که هیچ یک در تورات نیامده است.^۲

ظاهراً آن چنان‌که جلال ستاری می‌نویسد سلیمان در روایت قرآن و به تبع آن روایات اسلامی، فرا انسانی توصیف می‌شود ولی در تورات چهره او انسانی و زمینی تر است. البته آنچه در قرآن در مورد سلیمان و توانایی‌های او آمده نظیر تسلط بر باد و منطق‌الطیردانی، گواه پیامبری و تأکید قرآن بر این نکته است به بیان دیگر چنان‌که تفهیم سلیمان تورات بیش‌تر پادشاه و سلیمان قرآن، نبی است.

۷. سلیمان تورات و قرآن هر دو وارث ملک داوودند ولی در تورات به ثروت فراوان سلیمان و حتی راه‌مای جمع شدن این ثروت (از جمله تجارت و تجهیزه زنان سلیمان) اشاره می‌شود در حالی‌که در متون تفسیری سخن بر سر آن است که منظور از وراثت چیست.

۸. در قرآن و تورات سلیمان به قضاوت هم مشغول است ولی ماجرای قضاوت او در مورد آن شبان و برزگر که در قرآن آمده در تورات نیست و تنها قضاوت او در مورد آن دو زنی است که بر سر کودکی اختلاف دارند (که در برخی از تفاسیر و قصص نیز متأثر از تورات آمده است).^۳

۹. بنا به گفته تورات داوود می‌خواست برای پرستش خداوند و قرار دادن صندوق عهد، هیכלی بسازد اما فرصت پیدا نکرد و البته خداوند به داوود می‌گوید که یکی از پسرانش (سلیمان) برای خدای خانه‌ای خواهد ساخت.^۴ در

۱. در امثال سلیمان تنها یک جمله در مورد مور هست که: «ای کاهل به سوی مورچه رود و راه‌هایش را بنگرد و دانا شود» که البته ربطی به ماجرای مور و سلیمان در قرآن ندارد که ناظر به صفت بلند همتی و آخراندیشی مورچه است.

۲. اگرچه در تورات سخن از کاخ‌های عظیمی است که با مصالح گرانبها ساخته شده ولی هیچ اثری از دیوان درین کتاب نیست.

۳. این ماجرا دستمایه برتولد برشت در نگارش درام دایره گچی قفقازی شده است.

۴. کتاب مقدس، ص ۳۰۶.

تورات شرح ساختن بیت المقدس مفصل تر از متون تفسیری است چنانکه در آنجا می خوانیم که سلیمان از حیرام، پادشاه صور خواست تا از چوب بران صیدون بخواهد تا از کوه های لبنان برایش الوار تهیه کنند.^۱ و در مقابل این کار، هر سال دو هزار تن گندم و چهارصد هزار لیتر روغن زیتون خالص برایش می فرستاد. سلیمان سیصد هزار نفر از سراسر اسرائیل را به بیگاری گرفت و دوزنارم را به سرپرستی آنها بگماشت. هفتاد هزار باربر و هشتاد هزار سنگ تراش در کوهستان داشت و سه هزار و سیصد سرکارگر بر آنها نظارت می کردند.^۲

طبق گفته تورات ساختن خانه خدا (بیت المقدس) هفت سال طول می کشد و سلیمان پس از آن کاخش را در عرض سیزده سال می سازد. صندوق عهد را به خانه خدا منتقل می کند و به دعا می پردازد و به همراه قومش برای خداوند قربانی می کند. وی همچنین در تدمور آبادانی هایی ایجاد می کند و شهرهایی برای انبار آذوقه و نگهداری اسبها و عرابه هایش می سازد،^۳ در حالی که ماجرای ساختن بیت المقدس در تفاسیر و قصص اسلامی به پایان عمر سلیمان مربوط می شود و شرح این ماجرا ضمن تفسیر آیه ای می آید که مربوط به مرگ پنهان و شگفت انگیز سلیمان است^۴ و از بسای خانه در قرآن، به صراحت سخنی نیست و در تفاسیر می خوانیم که هنوز یک سال از اتمام بنا باقی است که مرگ سلیمان می رسد و به دلیل آنکه سازندگان آن بیوان بودند مرگ سلیمان پنهان می ماند تا کار خانه تمام شود.

۱۰. در تورات گناه سلیمان آن است که برخلاف دستور خداوند از سرزمین قوم های بت پرست موآب، عمون، صیدون و... زنانی را به همسری می گیرد. در شرح حال او دقیقاً از هفتصد زن عقدی و سیصد زن متعه (کنیز) سخن گفته می شود. این زن ها به تدریج سلیمان را از خدا دور می کنند تا به پرستش بت ها رو می کند و حتی روی کوهی که در شرق اورشلیم است دو بتخانه برای بت موآب

۲. همان، ص ۳۳۶.

۱. کتاب مقدس، ص ۳۳۵.

۳. همان، ص ۳۴۲.

۴. آیه ۱۴، «سوره سبأ»، البته در آیه ۱۳ همین سوره هم مقصود از «محارِب» در تفاسیر، بنای بیت المقدس دانسته شده است (ر.ک. فصل بنای بیت المقدس).

و عمون و برای هر یک از زنانش هم پتخانه‌ای می‌سازد.^۱ خداوند به عقوبت این گناه می‌فرماید: «چون عهد خود را شکستی و از دستورات من سرپیچی نمودی من نیز سلطنت را از تو می‌گیرم و آن را به یکی از زیردستانت واگذار می‌کنم»^۲ ولی به خاطر پدرت داوود این کار را در زمان تو انجام نمی‌دهم بلکه در زمان سلطنت پسر تو.^۳

در قرآن سلیمان گناهکار نیست و لفظ فتنه (آزمون) در مورد او آمده که البته در تفاسیر، علل بسیاری برای فتنه سلیمان در قالب حکایت آورده‌اند که یکی از آن‌ها (به تأثیر از تورات) خواسته یکی از زنان سلیمان (و نه همه زنان او به روایت تورات) است که چون پدرش وفات می‌کند سلیمان برای آرامش او تنذیبی از پدر او می‌سازد و زن (نه خود سلیمان آن‌چنان که تورات می‌گوید) به پرستش آن مشغول می‌شود. و خدا به این دلیل او را به فتنه‌ای مبتلا می‌کند.

در قرآن به جزئیات آزمون سلیمان پرداخته نمی‌شود ولی در تفاسیر و تواریخ، آزمون خداوند در مورد سلیمان همان ماجرای گم شدن انگشتری سلیمان و از دست دادن ملک و تسخیر یهو بر تخت اوست (ر.ک. فصل زوال ملک) که برخلاف تورات در مورد خود او اعمال می‌شود نه فرزندش. این ماجرا، هم داستان را زیباتر کرده و هم دامان نبی خدا را از گناهی که تورات به سلیمان نسبت می‌دهد، پاک می‌کند. در قرآن سلیمان هرگز زن‌بازه و هوسران توصیف نمی‌شود و جز در ماجرای ملکه سبأ از ارتباط سلیمان با زن دیگری سخنی نرفته است. شاید دلیل آن‌که در امثال سلیمان سخنان تحقیرآمیزی در مورد زنان آمده، عتابی است که خداوند به او به خاطر گناهش در به همسری گرفتن زنان بت پرست می‌کند.

۱۱. یکی از تفاوت‌های عمده داستان سلیمان در تورات و قرآن (و استون اسلامی) مربوط به ملکه سباست. در قرآن آمده که سلیمان با شنیدن آنچه همد

۱. ر.ک. کتاب مقدس، ص ۳۴۴.

۲. قبلاً خداوند به داوود گفته بود آن‌که برای من خانه می‌سازد سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهیم کرد. همان، ص ۳۰۶ (این جملات درخواست سلیمان از خدا را در قرآن، برای داشتن

ملکی جاوید به باد می‌آورد). ۳. همان، ص ۳۴۴.

درباره سبا و فرمانروای خورشیدپرست آن گفت تصمیم گرفت آن‌ها را به توحید دعوت کند پس نامه‌ای نوشت و به همدد سپرد. در تورات اولاً این سلکة سیاست که با شنیدن حکمت خاصی که خدا به سلیمان داده تصمیم می‌گیرد به دیدار او برود و با طرح مسائل دشوار امتحانش کند (این امتحان در تفاسیر هم در مورد سلیمان است و هم بلقیس) ثانیاً سلیمان به سؤالات او جواب می‌دهد و بلکه از شکوه دربار او و حکمتش مبهوت می‌ماند. آن وقت هدایای بی‌ظیری به سلیمان می‌دهد و سلیمان هم او را با هدایایی روانه سرزمین خود می‌کند.^۱

در قرآن ماجرا به سلیم و ایمان آوردن بلقیس یا اقرار او به ایمان (و گستا مسلمین) حکم می‌شود و هرگز وصلتی روی نمی‌دهد.

برخلاف قرآن و تورات در متون اسلامی آمده که بلقیس با شنیدن وصف سلیمان از رسولش شهری در دلش می‌جند زیرا زنی مردندیده است^۲ و از آن طرف سلیمان هم چون وصف بلقیس را از همدد می‌شنود در دلش می‌افتد که او را به زنی کند.^۳ وجود این سیر و همدد اصلاً زمینه را برای دلدادگی این دو و پایان خوشی که داستان پردازان سعی دارند به داستان قرآن اضافه کنند فراهم می‌کند به علاوه جزئیات هدایایی که بلقیس آگاهانه برای سلیمان می‌فرستد و تلافی‌ای که سلیمان می‌کند و این بده‌بستان‌ها این که بلقیس حدس می‌زند تخت ناشناس شده از آن اوست، او را در نظر سلیمان بزرگ و دانا نشان می‌دهد. حال اگر زیبایی بلقیس را هم بنا به روایاتی به آن بیفزاییم و این که او زن کارداران سیاستمداری است که بر ملکی حکم می‌راند پس همه چیز هم‌اکنون سلیمان و بلقیس را تأیید می‌کند و خاطر قصه‌گویان را راحت که کسی بر این وصلت بر آنان خرده نخواهد گرفت و سیر پایانی داستان در همه تفاسیر و قصص به ازدواج این دو می‌انجامد. گویی زناشویی سلیمان با ملکه سبا در حکم اجر و مزد این تنبه است و برعکس در تورات قصه ناتمام می‌ماند و با وجود نشانه‌هایی که بر دانایی بلقیس و اثبات آن بر سلیمان و زن‌دوستی او (توجه ویژه سلیمان به زن) هست و اصلاً طبق تورات بخشی از ثروت او از جهیزیه زنانش است و بلقیس

۲. قصص الانبیاء نیشابوری، ص ۲۹۹.

۱. کتاب مقدس، ص ۳۴۳.

۳. همان، ص ۲۹۸.

هم هدایای بی نظیری برای سلیمان می آورد ولی سلیمان به راحتی بدون تأملی در مورد بلقیس او را راهی سرزمینش می کند و سؤالاتی را برای خواننده باقی می گذارد.

جلال ستاری در پژوهشی که در مورد قصه سلیمان و بلقیس کرده به بازخوانی روایت توراتی و قرآنی سلیمان و ملکه سبا پرداخته و سؤالاتی در این باره طرح کرده است. او حدس می زند شاید این دیدار هم راز و رمزی دارد و گرنه هم بی تفاوتی بلقیس نسبت به شاهی که در حکمت مثل است و شکوه دربار او را به چشم دیده عجب است و هم بی تفاوتی سلیمانی که در تورات شیفته زنانست حتی اگر بت پرست باشند. او در جمع بندی این تفاوت ها می گوید در روایت توراتی، سلیمان و ملکه سبا چهره هایی انسانی دارند اما در قصه های ایرانی آن دو سیمایی اسطوره ای یافته اند.^۱ او معتقد است یک قصه در سیر از فرهنگی به فرهنگ دیگر دچار دگرگونی می شود.

در پایان این مقال لازم است اشاره شود تأثیر داستان سلیمان درین کتاب در شاخص های متون ادبی و عرفانی بررسی شده است، بنابراین طی نوشتار هر کجا از تأثیر در ادبیات سخن رفت مقصود آثاری است که درین جا مورد مطالعه قرار گرفته اند و فهرستشان در منابع ذکر شده است. البته موارد مشابه در سایر دیوان های شعری با آنچه درین نوشتار آمده قابل مقایسه است.

آنچه پیش دیدگان خواننده گرامی است حاصل سال ها تلاش یکی از کم ترین فرزندان این خاک است که بی گمان خالی از خلل نیست. خداوند را بر اتمام این نوشتار سپاس می گویم و چشم به راه نکته منجی محققان و دستداران ادبیات ایران می مانم.

«وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ»

پاییز ۱۳۸۸

پریسا داوری